



محدثہ رضایی

■ دلم گرفته است، و این یک دل گرفتگی معمولی نیست؛ از غم اوست، آخر غم او معمولی نیست. غم دوری او، غم ندیدن او که در این حوالی است، در این حوالی خالی از حضور انسان.

دنبال او می‌گردم، پیوسته دنبال او می‌گردم؛ دنبال رد پای او، او که آمدنش بزرگ‌ترین آرزوی دنیا شده است؛ آرزوی هر کس که دوست دارد دنیا پر از صلح و صفا باشد. پر از آرامش، پر از حضور او.

آه! امروز هم نیامدی! امروز هم دنیا از حضورت خالی بود. امروز هم پرنده‌های غمگین در انتظارت بودند؛ انتظار آسمانی که در راه است؛ آسمانی به سبک لحظه‌های بارانی؛ لحظه‌های بارانی پر از هیاهو؛ هیاهوی قطره‌هایی که رویش را نوید می‌دهند؛ رویشی که دستان آسمان آن را خواسته است.